

تحلیل فازی رابطه توسعه اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های درآمدی در ایران¹

محمد مظلوم خراسانی

عضو هیأت علمی و دانشیار گروه

علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد

مژگان عظیمی هاشمی

عضو هیأت علمی گروه پژوهشی

علوم اجتماعی جهاد دانشگاهی مشهد

(تاریخ دریافت 1389/3/6، تاریخ پذیرش 1389/9/15)

چکیده: مطالعه حاضر با اتخاذ رویکرد تطبیقی مورد محور و به کارگیری روش تحلیل فازی، شرایط علی نابرابری‌های درآمدی در ایران در یک دوره شصت و چهار ساله را مورد بررسی قرار داده است. موارد این بررسی، شش دوره تاریخی می‌باشند که با عنایت به تغییر در سیاست‌های توسعه‌ای از یکدیگر تفکیک شده‌اند. مدل پیشنهادی جهت مطالعه شرایط علی مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی (با تأکید بر نابرابری درآمدی)، مدلی ترکیبی است که توأمان از دیدگاه نوسازی، وابستگی (موقعیت در نظام جهانی) و نظریه دولت توسعه‌گرا (خودگردانی دولت و روابط دولت - جامعه) بهره گرفته است. نتایج واری‌های شرط لازم (منفرد) نابرابری درآمدی در ایران نشان داد توسعه اقتصادی، شرط لازم برای درآمد و قدرت دولت (دولت بزرگ و رانتیر) و وابستگی نیز هر یک شرط لازم نابرابری درآمد محسوب می‌شوند. اما دموکراسی و قوت جامعه برای برابری درآمدی به تنهایی نه لازم و نه کافی هستند. اجتماع دو شرط دموکراسی و قدرت جامعه شرط کافی برای درآمدی در ایران و قدرت دولت و جامعه، شرط لازم آن محسوب می‌شوند. بررسی مسیرهای علی (شرط) کافی برای وقوع نتیجه نشان می‌دهد دو مسیر جداگانه برای رخداد نابرابری درآمدی در ایران وجود دارد که هر کدام از این مسیرها شرط ترکیبی (عطفی) کافی تلقی می‌شوند. اولین مسیر نبود توسعه اقتصادی و نبود قدرت دولت، در کنار وابستگی و نبود دموکراسی است و مسیر دوم توسعه اقتصادی، قدرت دولت، وابستگی و نبود دموکراسی و قوت جامعه مدنی است.

واژگان کلیدی: تحلیل فازی، تحلیل تطبیقی-تاریخی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، نابرابری‌های درآمدی، روابط دولت و جامعه.

1. این مقاله بر اساس بخشی از نتایج پایان نامه دکتری با عنوان "بررسی تطبیقی تاریخی توسعه اقتصادی، سیاسی و نابرابری‌های اجتماعی در ایران و هند" به راهنمایی دکتر محمد مظلوم خراسانی، تدوین شده است.

طرح مسأله

توسعه، یا در برخی تعابیر تغییر تکاملی، مفهومی متکثر و چندوجهی است که متضمن تغییر در جهت ارتقای وضعیت موجود است. تکثر مفهومی توسعه، سبب شده نوعی تنوع در طبقه‌بندی و نحوه اولویت‌بندی این وجوه در ادبیات توسعه مشاهده شود و دامنه آن از مسائلی مانند رشد اقتصادی، افزایش سطح رفاه، بهبود ساختارهای سیاسی، توسعه اجتماعی، فرهنگی، توسعه انسانی، برابری، توسعه پایدار و ... را شامل گردد. برخی توسعه را هدفی فی‌نفسه ارزشمند و تحقق آن را بر پایه ارزش‌های هر کشور متفاوت دانسته‌اند که دموکراسی می‌تواند یکی از وسایل مهم تحقق آن تلقی شود (اسکلار، 1382). توسعه را فرایند تحقق نظم اجتماعی پویا نیز دانسته‌اند (چلبی، 1375) که با کاستن از اختلالات اجتماعی در عرصه‌های هنجاری، نمادی، رابطه‌ای و توزیعی، زمینه‌های استقرار نظم پویا را فراهم می‌آورد و یکی از مشخص‌ترین جلوه‌های آن افزایش منابع ارزشمند در جامعه و افزایش برابری در دسترسی به ظرفیت‌های منابع مذکور است (همان). مرور بر تأکیدات نظری مفهوم توسعه در دوره‌های گوناگون نشان می‌دهد که با عنایت به تحولات سیاسی در سطح جهانی، عناصر متفاوتی مورد اقبال نظریه‌پردازان و محققان توسعه قرار گرفته است. توسعه به مثابه پیشرفت تاریخی، تدارک برنامه‌ریزی شده پیشرفت‌های سیاسی و اجتماعی، یک وضعیت در مقابل یک فرایند، رشد اقتصادی، دگرگونی ساختاری، نوسازی، جهش در نیروهای مولد (برداشت مارکسیستی)، آزادی حق انتخاب (رویکرد آمارتیا سن در دهه 90)، توسعه پایدار، ضدصنعت‌گرایی، گفتمان سلطه و پساتوسعه از جمله رویکردهای متفاوتی است که تحولات مفهومی آن را در تعامل با سیاست نشان می‌دهد (لفت و ویچ، 1385: 40-41).

عموماً پنج هدف اصلی برای توسعه - رشد اقتصادی، عدالت، نظم و ثبات سیاسی، دموکراسی و استقلال سیاسی - با اهمیت تلقی شده است، که هم دارای وجوه اقتصادی، سیاسی و هم سیاسی - اقتصادی، است (هانتینگتون، 1379: 38). پیام‌های شاخص توسعه‌ای در دهه 1960 با تأکید بر کلماتی مانند عبور از جامعه سنتی، سیاست‌های مناطق در حال توسعه (1960)، سیاست‌های نوسازی (1965)، روش‌های نوسازی (1966)، مراحل رشد

اقتصادی (1960) و شهروندی (1964) مشخص می‌شوند. در دهه 70 محدودیت‌های فرض سازگاری بین اهداف توسعه - رشد اقتصادی، برابری، ثبات و- سبب آگاهی به این نکته شد که آثار مثبت توسعه غالباً با یکدیگر همراه نبوده است و لزوم انتخاب اهداف مورد تأکید قرار گرفت. در پیام‌های دهه 70، عباراتی همچون انتخاب ظالمانه (1971)، انتخاب دشوار (1976)، انتخاب و سیاست‌های تخصیص (1971)، بحران انتخاب و تحول (1973)، معمای دشوار توسعه (1980) برجسته می‌شود. تحلیل‌های دهه 1970 به خصوص به تعارض بین رشد اقتصادی و برابری و یا رشد اقتصادی و آزادی اشاره می‌کنند (همان: 44). در دهه 1980 سیاست‌های سازشی به تدریج جایگزین انتخاب از بین اهداف توسعه شد. تأکید بر ضرورت انتخاب جای خود را به تأکید بر سازش داد و سؤالات طرح شده به سویی متمایل شد که ساختارهای نهادی برای سازش بین اهداف توسعه چیست؟ و استراتژی‌های حکومت برای دسترسی همزمان به اهداف توسعه چه باید باشد؟ (همان: 54-50). در دهه 80 استدلال‌هایی مطرح شد که تفاوت‌های بین دولت‌ها در رسیدن به رشد و برابری یا عدم دستیابی به هیچ یک از آنها، به محیطی که رشد در آن تحقق می‌یابد و تصمیمات سیاسی اتخاذ شده، بستگی دارد. برخی آراء نیز بر نقش دولت دموکراتیک توسعه‌گرا بر ایجاد آشتی و تلفیق بین دموکراسی با رشد اقتصادی پایدار تأکید نمودند (لفت ویچ، 1994).

برای توجیه این که چرا سازش عناصر یا اهداف توسعه‌ای در همه جوامع به یک صورت نیست، باید به ویژگی‌های منحصر به فرد هر کشور توجه کرد. این ویژگی‌ها به عواملی چون منابع طبیعی، موقعیت جغرافیای سیاسی، ویژگی‌ها و شخصیت مردم و نیز تجربیات تاریخی آنها مربوط می‌شود. پژوهش‌های تطبیقی مورد محور نسبت به پژوهش‌های متغیرمحور این قابلیت را دارند که این تمایزات و ترکیب‌های علی را در جوامع مورد مطالعه، مدنظر قرار دهند. توسعه در این مطالعه، مفهومی چندبعدی و شامل وجوه اقتصادی، سیاسی و سیاسی-اقتصادی تلقی می‌شود. یکی از آرمان‌های اصلی توسعه، بهبود نظام توزیعی و کاهش تبعیض‌های اجتماعی و از جمله تبعیض درآمدی است. با این رویکرد، کانون توجه بر نحوه ارتباط بین بهبود ظرفیت نظام‌های اقتصادی،

سیاسی و توزیعی در ایران است. نوشتار حاضر جامعه ایران را از حیث نحوه سازش یا تضاد بین اهداف مذکور در یک دوره شصت و چهار ساله (از شروع سلطنت محمدرضا پهلوی تا پایان دوره اصلاحات 1384) واکاوی می‌نماید و پاسخگویی به این سؤال مدنظر می‌باشد که، سازوکارهای سازش یا عدم سازش بین توسعه اقتصادی، سیاسی (دموکراسی) و نابرابری‌های درآمدی در دوره‌های تاریخی ایران چیست؟ دوره مورد بررسی با استناد به تحولات سیاسی اقتصادی جامعه ایران به شش دوره تجزیه شده است و با بهره‌گیری از تکنیک تحلیل فازی، شرایط علی لازم و کافی نابرابری‌های درآمدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سوابق نظری توسعه، دموکراسی، برابری

تأمل در آثار و مطالعات تطبیقی بین کشوری انجام شده که عمدتاً به دنبال طرح تزیلیست در دهه 1960 در خصوص رابطه دموکراسی و نوسازی در طی چند دهه صورت گرفته است، نتایج متفاوت و گاه متضادی را ارائه می‌دهد که حاکی از پیچیدگی روابط متغیرهای توسعه اقتصادی، دموکراسی و برابری در کشورهای گوناگون است. به رغم کثرت پژوهش‌های انجام شده بین کشوری و متغیرمحور (کمی) اظهار نظر قطعی در مورد نوع و جهت رابطه متغیرها به سهولت امکان‌پذیر نیست. لذا پژوهش‌های مورد محور که به شرایط خاص جوامع مورد بررسی (زمینه) عنایت دارد نیز به موازات پژوهش‌های متغیرمحور، شرایط علی را با اتکا به زمینه‌های تاریخی و شرایط خاص جوامع مورد بررسی، مورد نظر قرار داده‌اند.

استدلال‌های ارائه شده در خصوص رابطه دموکراسی و توسعه در قالب سه الگوی سازگاری، تضاد و بدبینانه طبقه‌بندی می‌شود (ارسن و لین، 1382: 64). فرض هماهنگی ذاتی میان اهداف چندگانه توسعه یا الگوهای سازگاری، ریشه در مفاهیم کارل دویچ، دانیل لرنر و سیریل بلاک و عده‌ای دیگر دارد که نوسازی را یک فرایند منظم و جامع می‌دانند که در آن جوامع بر محور نزدیک کردن مدل سنتی با نوین در حرکت هستند. الگوهای سازگاری در خصوص رابطه دموکراسی و توسعه دو استدلال مطرح می‌کنند: اول اینکه اقتصاد بازار دارای نهادهای ویژه‌ای است که هماهنگ با نهادهای حافظ حقوق مدنی

و سیاسی، یعنی دموکراسی سیاسی حرکت می‌کند (اولسون¹ 1993). بنابراین دموکراسی به گونه‌ای غیر مستقیم به پیشبرد توسعه اقتصادی کمک می‌کند؛ چرا که سبب تقویت تجارت و رقابت آزاد شده و این خود موجب بهبود شاخص‌های توسعه یعنی رشد کیفیت زندگی یا سطح توسعه انسانی می‌شود (ورهیز و گلاسه 1988؛ اسکالی و سلوته 1991؛ سپیندلر 1991). بنابر استدلال الگوهای سازگاری، دموکراسی توسعه اقتصادی را افزایش و نابرابری‌های اجتماعی را کاهش می‌دهد.

استدلال دوم، مبتنی بر گرایش دموکراسی به تکیه بر مشارکت مردم است (ویتمن 1989). برای دستیابی به مشارکت گسترده باید شرایطی که نیازهای جمعیت را برآورده می‌سازد، ایجاد شود. به عبارتی نابرابری‌های اجتماعی در جوامع دموکراتیک کم‌تر است. در بلند مدت دموکراسی علاوه بر پیشبرد برابری اجتماعی، توسعه اقتصادی را نیز افزایش می‌دهد. مطالعات زیاد بین کشوری از اواخر دهه 1960 تا کنون این فرض را مورد تأیید قرار داده‌اند. این مطالعات با انتخاب کشورهای مختلف و بررسی‌های عمدتاً طولی و با تکنیک‌های بررسی همبستگی، عمدتاً توسعه و دموکراسی را مقوم یکدیگر می‌دانند. برخی دموکراسی را بر تقویت رشد و توسعه مؤثر دانسته و برخی توسعه اقتصادی را موجب ظهور و دوام دموکراسی می‌دانند (کاترایت، 1966؛ اولسون، 1968؛ کاترایت و وایلی، 1969؛ جکمان 1973؛ دیک، 1974؛ رامایرز و گابالت، 1979؛ توماس، هانا و کارول 1981؛ بولن و جکمان، 1985؛ دایاموند و دیگران، 1987؛ پورگرامی، 1988؛ بارو 1989؛ ریمیر 1990؛ لیست و تورز، 1991؛ دایاموند، 1992؛ پزورسکی و دیگران، 2000؛ ابوطالبی، 2000؛ عبداللهی و ساعی 1384؛ چلبی و اکبری، 1384).

معتقدان الگوی تضاد در خصوص رابطه دموکراسی و توسعه، بر این باورند که دموکراسی هیچ تأثیر مثبتی بر توسعه ندارد و غالباً ممکن است تأثیر نامطلوبی نیز بر توسعه اقتصادی اجتماعی داشته باشد (لفت ویچ 1993). آنان در تأیید ادعای خود به توسعه سریع در برخی کشورهای کم و بیش استبدادی جنوب شرقی و شرق آسیا (کره جنوبی، تایوان و سنگاپور) اشاره دارند. دو استدلال از سوی این گروه مطرح می‌شود. اول اینکه عدم ثبات سیاسی در دموکراسی‌های نوپا مانع پی‌گیری منسجم سیاست‌های توسعه‌ای می‌شود (میردال

1. Olson

1957 و 1968) و دوم اینکه در مورد دموکراسی‌های قدیمی‌تر توجه به جلب نظر اکثریت و هزینه‌های رفاهی، آنان را به سمت سیاست‌های توزیع مجدد سوق داده و چنین سیاست‌هایی به رشد اقتصادی کمک نمی‌کند. لذا هرچه گروه‌های سازمان‌یافته‌ی ذینفع قدرتمندتر باشند، شرایط برای توسعه اقتصادی نامناسب‌تر خواهد بود (اولسون، 1982؛ 1990) و مسائل مرتبط با سرمایه‌گذاری و انباشت سرمایه فراموش خواهد شد (وید، 1983). پرزورسکی و لیمونجی (1993: 61) در مرور کارهای تجربی جهانی در خصوص رابطه‌ی توسعه و دموکراسی به نتایج هشت پژوهش (آدلمان و موریس، 1966؛ پرزورسکی، 1966؛ هانتینگتون و دامینز، 1967؛ مارش، 1979؛ کوهلی، 1986؛ لاندوا، 1986؛ اسلوان و تدین، 1987؛ هلاویل، 1992) اشاره دارند که مؤید تأثیر مثبت اقتدارگرایی¹ بر رشد اقتصادی است.

رویکرد سوم به ارتباط دموکراسی و توسعه، نوعی الگوی بدبینانه است و بر این اعتقاد است که چه بسا دموکراسی و توسعه در بلندمدت سازگار باشند ولی به خودی خود، دموکراسی تأثیر مستقیم کمی بر توسعه دارد و عوامل زیادی بر این رابطه تأثیر می‌گذارد. لوین و رنه (1992) در پژوهش خود ادعا نموده‌اند که ما به این نتیجه رسیدیم که "شاخص انقلاب‌ها و کودتاها و آزادی‌های مدنی ارتباط چندانی با میانگین رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) ندارد" (همان: 957). همچنین پرزورسکی و لیمونجی (1993: 64) نیز اذعان داشته‌اند که "نمی‌دانیم دموکراسی رشد اقتصادی را تقویت می‌کند یا مانعی بر سر راه آن پدید می‌آورد".

برخی آراء نیز بر نقش دولت دموکراتیک توسعه‌گرا بر تلفیق دموکراسی با رشد اقتصادی قوی و پایدار تأکید دارند (لفت و یچ، 1996). تفاوت‌های بین دولت‌ها در رسیدن به رشد و برابری یا عدم دستیابی به آنها، به محیط تحقق رشد و تصمیمات سیاسی اتخاذ شده، بستگی دارد. نمی‌توان به سادگی دموکراسی را شرط کافی برای توسعه یا توسعه را ناسازگار با دموکراسی دانست. انواع متفاوت دموکراسی به انواع مختلفی از توسعه‌گرایی فرصت‌ظهورمی‌دهند و محصول کنش متقابل آنان، در ویژگی و ظرفیت دولت عیان می‌شود. به عبارتی در این رویکرد رابطه‌ی بین دموکراسی و توسعه اقتصادی فارغ از توجه به

1. Authoritarianism

ظرفیت توسعه‌گرایی دولت امکان‌پذیر نیست و انواعی از رابطه بر اساس انواعی از دولت متصور است. رویکرد نهادی - تطبیقی¹ (اوانز، 1382) بر نقش دولت‌ها در توسعه تأکید زیادی داشته و ساختار دولت و روابط دولت - جامعه، روابط بین بنگاه‌ها و سازمان‌های دولت، روابط این بنگاه‌ها و یکایک شرکت‌ها و الگوی تاریخی روابط بین افراد را مدنظر قرارداده و اثرات نهادی را در تحلیل کنش‌های سازمان و گروه‌های مورد نظر به کار می‌گیرد. اوانز شرایط ساختاری لازم برای ایفای نقش توسعه‌گرایی دولت را وجود دیوانسالاری اقتصادی توانمند (دیوانسالاری به معنای وبری) و منسجم می‌داند. نکته کلیدی مورد توجه اوانز حفظ تعادل بین خودگردانی و اتکا به جامعه است (همان: 24). دو دیدگاه متعارض (موضع جدایی و پروژة مشترک) در زمینه روابط دولت - جامعه وجود دارد. از نظر وبر، پیش شرط اینکه دیوانسالاری درست عمل کند، جدایی دولت از جامعه است. از دیدگاه نوافایده‌گرایان، شکل‌گیری پیوند، مترادف با تصرف دستگاه دولت توسط رانت‌جویان است. اما دیدگاه موسوم به پروژة مشترک (هیرشمن، 1958؛ گرشنکرون 1962؛ آمسدن، 1989؛ وید، 1990)، رابطه نزدیک دولت با گروه‌های اجتماعی را برای توسعه دارای اهمیت اساسی می‌داند. چالش اصلی فراروی رویکرد نهادی - تطبیقی، شناخت پویایی‌های روابط دولت و جامعه و قرار دادن آن در کنار فرضیه وبر درباره سازمان درونی است. به بیان دیگر توان دولت در تحقق توسعه بستگی به رابطه او با جامعه و درجه خودگردانی دولت دارد.

اما تبیین‌های ارائه شده در خصوص موانع توسعه ایران نیز شامل تبیین‌هایی در مورد موانع توسعه اقتصادی یا گذار به دموکراسی است. نظریات ارائه شده درباره موانع توسعه ایران در سه گروه کلی قابل طبقه‌بندی است (علمداری، 1388). نظریاتی که موانع را عوامل خارجی (رواسانی، 1386)، یا عوامل فرهنگی و فکری (رضاقلی، 1377؛ زیباکلام، 1377؛ جاکوبز، 1966) و یا شیوة تولید می‌دانند. گروه اخیر شامل سه دسته نظریه هستند، معتقدان به تداوم شیوة فئودالی به عنوان مانع پیدایش سرمایه‌داری (نعمانی، 1358)، ساختار ایللی و کوچ‌نشینی و عدم سکونت عشایر (به دلیل کمبود آب) به عنوان مانع توسعه اجتماعی و سیاسی (بیمن، 1374؛ اشرف، 1359) و شیوة تولید آسیایی (کمبود آب و استبداد شرقی

1. Comparative institutional approach

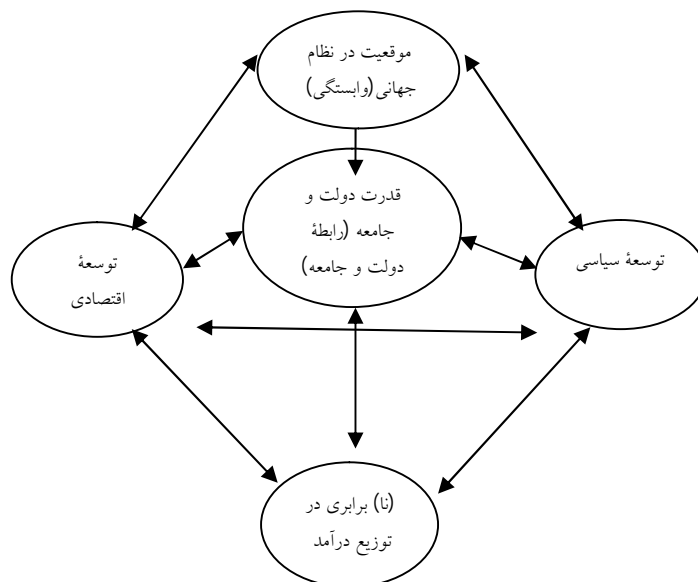
حاصل آن)، جامعه کم آب و پراکنده و تضاد بین دولت و ملت (کاتوزیان، 1383، 1375)، جامعه پراکنده و کمبود منابع طبیعی (آبراهامیان 1376) و نقش دولت بر کنترل منابع طبیعی - نفت - مشابه کمبود آب (علمداری، 1388) را موانع مهم توسعه تلقی می کنند. دسته چهارم نظریاتی قرار دارند که بر نقش دولت‌ها به عنوان کارگزار توسعه تأکید داشته، روابط دولت و جامعه را در این فرایند مدنظر قرار می دهند. ناکارآمدی دولت پهلوی در عرصه ساختی و کارکردی (عباسی، 1383)، دولت رانتیر یا موجر و تأثیر آن بر تقویت استقلال دولت و بی‌نیازی از مالیات‌بندی و در نتیجه امکان بی‌توجهی به منافع و درخواست‌های جامعه مدنی (حاجی یوسفی، 1382: 64) مهم ترین تبیین های ارائه شده در این دسته است.

چارچوب نظری

مدل نظری با عنایت به چهار رویکرد کلی در تبیین روابط بین توسعه اقتصادی، سیاسی و برابری - الگوهای سازگاری (نظریه نوسازی)، تضاد، بدبینانه و نظریه دولت توسعه‌گرا - و تبیین‌های ارائه شده در مورد توسعه ایران، و نقش و ماهیت دولت، پیشنهاد می‌شود. در مدل نظری این مطالعه، نابرابری درآمدی به عنوان نتیجه¹ و توسعه اقتصادی و سیاسی دو شرط علی اصلی قلمداد می‌شوند. مدلی ترکیبی است که همزمان از دیدگاه نوسازی (نقش تقویت‌کنندگی توسعه اقتصادی، سیاسی و برابری درآمد)، وابستگی (تأثیر موقعیت کشورها در نظام جهانی) و نظریه دولت توسعه‌گرا (خوداتکایی دولت و روابط دولت - جامعه) بهره گرفته است و امکان تکمیل و اصلاح در فرایند جمع‌آوری شواهد را دارا می‌باشد. در این ترکیب علی، توسعه اقتصادی و سیاسی (با تأکید بر دموکراسی، که نشانه سطح نابرابری در قدرت تلقی می‌شود) بر کارگزاران سیاسی (عمدتاً دولت و نیروهای عمده سیاسی) تأثیر گذارده و کم و کیف روابط دولت - جامعه را رقم خواهد زد. از سوی دیگر تعامل با نظام جهانی و وابستگی به آن بر توسعه اقتصادی، سیاسی، قوت دولت و نوع روابط دولت - جامعه تأثیر خواهد گذارد. ماهیت دولت و تأثیر آن بر توسعه، به ویژه تأثیر نفت بر ماهیت دولت (دولت رانتیر) و روابط دولت و جامعه از مفاهیم مورد توجه در این بررسی می‌باشد. برآیند این پنج شرط علی برابری یا نابرابری در توزیع درآمد در جامعه را

1. outcome

مشخص خواهد نمود. در نهایت شرایط علی مذکور در قالب مدل نظری ذیل ارائه می شود.



نمودار 1. مدل علی نابرابری درآمدی¹

با استناد به این مدل نظری علاوه بر نقش منفرد هر شرط علی در توضیح پیامد یا نتیجه، امکان بررسی ترکیب های علی نیز وجود دارد. فرضیاتی که بر اساس این مدل گمانه زنی می شود، بر اساس ترمینولوژی شروط لازم و کافی به شرح زیر تدوین می شود. توسعه اقتصادی، سیاسی و قدرت جامعه هر یک شرط لازم نابرابری درآمد است. قدرت دولت به تنهایی شرط لازم نابرابری و تبعیض درآمدی است. ساختار رانتیر دولت که به افزایش قدرت دولت و بی نیازی آن از جامعه می انجامد، شرط لازم تبعیض درآمدی است. اما ترکیب قدرت دولت و قدرت جامعه مدنی شرط کافی نابرابری درآمد می باشد. وابستگی دولت شرط لازم نابرابری درآمد است. ترکیب وابستگی و ساختار رانتیر نیز

1. پیکان های دو طرفه بین شروط علی و شروط علی و نتیجه به معنای تأثیر متقابل و نقش بازتولیدی هر یک بوده و معنا و کاربرد آن در منطق (هم شرط لازم و هم کافی) مورد نظر نیست.

شرط کافی تبعیض درآمد است. توسعه اقتصادی و دموکراسی شرط لازم برابری درآمدی است. همچنین مجموعه ترکیبی توسعه اقتصادی، سیاسی، جامعه مدنی قوی، دولت قوی و عدم وابستگی، شرط کافی عدم تبعیض و برابری درآمد می باشد. از آنجا که این پژوهش مورد محور است، ماهیتاً کل نگر بوده، به ترکیب علل نظر دارد. در رویکرد مورد محور در تحقیقات تطبیقی، اهمیت علی هر عامل بنا به زمینه تغییر می کند، لذا می باید تحلیل شواهد مورد به مورد انجام شده، هر مورد با بقیه موردها به مثابه کل و به مثابه ترکیب های مرتب و معنادار با یکدیگر مقایسه شوند. در پژوهش مورد محور نه تبیین تغییرات بلکه تفاوت های موجود میان رخدادی واحد، دارای اهمیت است. در بررسی حاضر با عنایت به تحولات سیاسی جامعه ایران در طول دوره مورد بررسی، سعی می شود که ترکیب علل در شش دوره به عنوان زمینه تاریخی مجزا مورد بررسی قرار گیرند.

روش تحقیق

در این مطالعه رویکرد تطبیقی مورد محور¹ اتخاذ شده است. ویژگی اساسی این رویکرد کل نگر، بررسی روابط میان اجزا در بستر کل، شناسایی علیت های ترکیبی و توجه به پیچیدگی و ویژگی منحصر به فرد تاریخی²، تحلیل رخدادهای با توجه به تعامل علل و تفسیری زمانمند و تاریخی از موردها می باشد. در بررسی علیت، با عنایت به قابلیت های روش فازی در بررسی شروط منفرد علی لازم و کافی و علیت های ترکیبی، از روش های تحلیل مجموعه های فازی در علوم اجتماعی (ریگین³، 2000، 2008؛ ریگین و ریهوکس 2009) در بررسی موردی دوره های تاریخی ایران استفاده شده است.

این مطالعه، بازه زمانی مشخص تاریخی یعنی آغاز دوره پهلوی دوم (1320) تا دوره حاضر (1384) را شامل می شود. با توجه به رویدادهای مهم جامعه ایران که تحولاتی در توسعه اقتصادی، سیاسی و توزیع درآمد، ایجاد نموده است و با الهام از آثار مربوط به تحولات ایران معاصر (فوران، 1378؛ آبراهامیان، 1376؛ کاتوزیان، 1386؛ ساعی، 1386؛

1. Case oriented
3. Charls Ragin

2. Historical specificity

بهرانی، 1388؛ رزاقی، 1376؛ شهرام نیا، 1385؛ عباسی، 1383؛ موثقی، 1385) دوره شصت و چهارساله مورد بررسی در جامعه ایران به شش دوره تقسیم شد که هر دوره به عنوان یک مورد فرض می‌شود. ملاک‌های تمایز دوره‌های تاریخی عمدتاً ناظر به سوگیری‌های اساسی اقتصادی دولت‌ها و امواج دموکراسی (شهرام نیا، 1385) در ایران بوده و شامل موارد زیر می‌باشد:

- دوره نخست 1320-1332، شروع دوره پهلوی دوم تا نهضت ملی شدن صنعت نفت: ویژگی متمایز این دوره نقش دولت به عنوان کارگزار توسعه، باز شدن فضای سیاسی و واقعه نهضت ملی شدن صنعت نفت به عنوان دومین موج دموکراسی خواهی در ایران است.
- دوره دوم 1332-1342 دوره پس از کودتا و تضعیف دموکراسی: ویژگی اصلی این دوره گذار از کشاورزی ماقبل سرمایه‌داری و صنعتی شدن سریع بخش شهری به یاری درآمدهای عظیم نفتی و ایجاد زمینه تغییر ساختار دولت به یک دولت رانتیر یا موجر و تضعیف جامعه مدنی است.
- دوره سوم 1342-1357 اصلاحات ارضی و تشدید وابستگی دولت: ویژگی متمایز این دوره، گذار همه‌جانبه به اقتصاد سرمایه‌داری، پایان نظام دهقانی سهم‌بری در نتیجه اصلاحات ارضی، افزایش درآمد نفت، سرمایه‌گذاری در بخش زیربنایی و صنعت مونتاژ با کمک دولت و کشورهای خارجی، افزایش میزان رشد مهارنشده تورم، استفاده از درآمدهای نفتی و کمک‌های خارجی (کاتوزیان، 1386) و دور شدن ایران از حاشیه نظام جهانی به حالت نیمه‌حاشیه‌ای (فوران، 1378) است.
- دوره چهارم 1357-1368 دوره اول انقلاب و جنگ تحمیلی: ویژگی اصلی آن وقوع انقلاب اسلامی و تغییر نظام سیاسی، شرایط جنگی و اقتصاد دولتی است.
- دوره پنجم 1368-1376 (دوره موسوم به سازندگی): در این دوره دیدگاه آزادسازی، خصوصی‌سازی و توسعه اقتصادی کشور ارجحیت یافت و طرح تعدیل اقتصادی با دو جزء اساسی خصوصی‌سازی و آزادسازی مطرح شد. این سیاست آثاری را در توزیع درآمد و نظام سیاسی به همراه داشت.
- دوره ششم 1376-1384 دوره اصلاحات (سیاسی): از این دوره به عنوان موج چهارم دموکراسی خواهی در ایران تعبیر می‌شود (شهرام نیا، 1385).

تحلیل مجموعه فازی

دستگاه معرفتی فازی از طریق تأکید بر نظام چند ارزشی، نه تنها تقسیم‌بندی واقعیت‌ها و گزاره‌های معرفتی بر مبنای عدم و وجود (صفر و یک) را می‌پذیرد، بلکه در عین حال میزان عضویت و عدم عضویت در مجموعه‌ها را درجه‌بندی می‌کند. در دستگاه معرفتی فازی، واقعیت اجتماعی هویت فازی داشته، در آن بر حضور همزمان پیچیدگی، عمومیت و تنوع واقعیت اجتماعی تأکید می‌شود. در روش فازی مفهوم به مثابه مجموعه فازی تلقی شده و نوع و میزان عضویت در آن تعریف می‌شود (زاده، 1965؛ کلیپر و یوآن، 1997). آزمون فرضیات به روش فازی نیز ناظر بر تعیین درجه صدق و کذب عضویت در مجموعه است. تحلیل علی بر مبنای این رهیافت مبتنی بر زیرمجموعه یا روابط بین مجموعه‌های فازی است.

شرایط لازم و کافی در تحلیل فازی

رابطه بین شرایط لازم و یک نتیجه را می‌توان برای هر شرط به طور جداگانه بررسی نمود. به این معنا نتیجه باید زیرمجموعه یک به یک علل لازم باشد ($Y \subseteq X$). همچنین طبق اصل زیرمجموعه، مصادیق شرط کافی زیر مجموعه مصادیق معلول (نتیجه) هستند ($X \subseteq Y$). چنین اصلی معیاری برای آزمون شرط کافی است (ریگین، 2000؛ چلبی، 1386: 47-48، ریهوکس و ریگین، 2009: 102).



در رهیافت فازی دقت سنجش، مبتنی بر ارزیابی دقیق عضویت در مجموعه‌های فازی است. این مهم با واسنجش¹ یا تنظیم و تحت قاعده درآوردن مدارج یا فواصل وسیله سنجش امکان‌پذیر شده، موارد باربط و بی‌ربط تمیز داده می‌شوند. در این خصوص توجه به دانش محتوایی و استفاده از ملاک‌ها یا معیارهای بیرونی دارای اهمیت بوده، ملاک‌های عضویت در مجموعه هدف، بر مبنای استانداردهای بیرونی مورد توافق اخذ می‌شود. تعیین

1. Calibration

میزان عضویت دوره های تاریخی در مجموعه نتیجه (نابرابری درآمدی) و پنج مجموعه شروط علی، با رجوع به اشارات در منابع موجود تخصصی، شاخص سازی های بین المللی، بررسی رتبه بندی های¹ جهانی² و مشورت با متخصصان انجام شد. نکته حائز اهمیت دیگر، وجه تاریخی بودن این مطالعه و ضرورت توجه به تغییرات تاریخی برخی شاخص ها و واسنجی متفاوت در هر دوره تاریخی است. (توسعه اقتصادی و توسعه انسانی از جمله شروطی بودند که در شش دوره تاریخی با ملاک های متمایزی واسنجی شدند و نقاط برش متفاوتی در هر دوره تعیین شد).

در مجموع چهار تقابل اصلی بین تحلیل نظریه مجموعه ها و رویکرد کمی رایج وجود دارد. ریگین (2008: 6) این چهار تقابل را شامل، نظریه مجموعه ها در مقابل پیوندهای همبستگی، واسنجی در برابر اندازه گیری، ترکیب شرایط در برابر متغیرهای مستقل و تحلیل پیچیدگی های علی در برابر تحلیل اثرات خالص³ ذکر می کند. بنابراین بر اساس ترمینولوژی مجموعه های فازی، از این پس در نوشتار حاضر واژگان روابط مجموعه ها، واسنجی شرایط (به جای سنجش متغیرها)، ترکیب های بین شرایط علی (به جای متغیرهای مستقل) و تحلیل پیچیدگی های علی به کار گرفته خواهد شد. همچنین در پژوهش تطبیقی - کیفی باید تعادل خوبی بین تعداد موارد و تعداد شرایط برقرار باشد. تعادل ایده آل کاملاً ملاک عددی نداشته و در فرایند آزمایش و خطا محقق می شود. در تحلیل π متوسط (بین 5 تا 50 مورد)، شرایط بین 4 تا حداکثر 6 یا 7 شرط می باشد (ریهوکس و ریگین، 2009: 28). چنانچه پیش از این اشاره شد در بررسی حاضر شش دوره زمانی به عنوان مورد، مد نظر قرار خواهند گرفت. لذا در تعیین شرایط علی به این محدودیت توجه شده است.

تعریف توابع و واسنجی نتیجه و شرایط علی

یکی از پارادوکس های استفاده از مجموعه های فازی در علوم اجتماعی ضرورت اعمال دقت بیش تر نسبت به سنجه های آماده استفاده رایج⁴ است. به عبارتی مجموعه های فازی به

1. Ranking

2. مانند رتبه بندی سطح توسعه کشورها توسط بانک جهانی، برنامه توسعه ملل و رتبه بندی شاخص ها توسط مؤسسات بین المللی.

3. Net effects

4. Ready-made measures

عنوان یک ابزار خنثی نبوده، حاصل تلاش محقق برای تفسیر شواهد بر مبنای یک روش منظم و فهم کاملی از شواهد هستند. (ریگین، 2000: 316).

در مطالعه حاضر نابرابری درآمدی به عنوان مجموعه نتیجه و وابستگی به نظام جهانی، توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، قدرت دولت و قدرت جامعه به عنوان مجموعه‌های شرایط علی تعریف شده‌اند. شاخص‌های معرفی شده برای هر مفهوم به عنوان یک نوع ایده آل¹ پیشنهاد می‌شود. نوع ایده آل، ترکیبی اغراق آمیز و ساخت ذهنی است که می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای تحقیق کیفی و تاریخی محسوب شود (ریگین و زارت، 1983). نوع ایده آل خصلت کل گرایانه² داشته، مفاهیم ترکیبی یا مجموعه‌ای³ و سنجه‌هایی برای سازگاری با این انواع ارائه می‌نماید که ماهیتاً افزودنی و جمع‌پذیر⁴ نیستند. در واقع با تعریف توابع عضویت فازی ترکیب‌های موارد تجربی⁵ با نوع‌های ایده آل و ترکیب‌های نظری⁶ مفهوم مورد نظر، مقایسه می‌شود (ریگین، 1983). تابع عضویت فازی نوعی زیرمجموعه فازی است. در بررسی حاضر برخی توابع یک بعدی و برخی دو یا چند بعدی تعریف شده‌اند.

در ذیل ملاک‌های تعیین توابع عضویت فازی در هر شرط و نتیجه⁷، معرفی شده است. لازم به ذکر است که با اتکا به دانش نظری موجود و استنادات ارائه شده در مطالعات توسعه و شاخص‌سازی‌های موسسات و مجامع بین‌المللی (بانک جهانی، برنامه عمران ملل متحد، مؤسسه هریتیج⁸، مؤسسه پولیتی⁹) سه نقطه آستانه عضویت کامل، نقطه تقاطع و آستانه غیرعضویت کامل (یا خارج از مجموعه) برای شروط علی و نتیجه تعیین گردید و با استفاده از نرم افزار مجموعه فازی/تحلیل تطبیقی-کیفی¹⁰ (ویراست دوم) طراحی شده توسط ریگین (2008)، توابع عضویت و شروط واسنجی برای متغیر نتیجه و شروط علی به نرم‌افزار داده شد و نمرات فازی توسط نرم افزار ایجاد گردید. شرط توسعه اقتصادی با دو ملاک سرانه تولید ناخالص داخلی شاخص PPP (با توجه

1. Ideal Type

2. Holistic

3. Configurational Concepts

4. Additive

5. Empirical configurations

6. Theoretical Configurations

7. Conditions and Outcome

8. index of economic freedom 2003, the heritage foundation

9. Polity IV Project: Political Regime Characteristics and Transitions, 1800-2008

10. Fuzzy-Set/Qualitative Comparative Analysis, FS/QCA

به برابری قدرت خرید و تغییرات نرخ ارز در سطح بین‌المللی¹ و نسبت سرمایه‌گذاری (نسبتی از درآمد که پس‌انداز و صرف سرمایه‌گذاری می‌شود) تعریف شد. شرط توسعه سیاسی در این بررسی به مفهوم دموکراسی تحویل شده است. با استناد به شاخص احصاء شده توسط مؤسسه پولیتی که ابعاد عملی دموکراسی در طی دو قرن را برای کشورهای جهان معرفی نموده است، دموکراسی شامل رقابت‌پذیری مشارکت سیاسی، بازبودن و رقابت‌پذیری ناظر بر انتخاب کارگزاران دولتی و محدودیت‌های ناظر بر رئیس‌قوه مجریه می‌باشد. دموکراسی نهادینه شده آن نوع دموکراسی است که در آن مشارکت سیاسی کاملاً رقابتی، استخدام کارگزاران از نوع انتخابی و محدودیت‌ها بر رئیس‌قوه مجریه محکم می‌باشد (در این شاخص، دموکراسی نهادینه شده با ارزش یک و غیرعضو، آتوکراسی نهادینه شده است که با ارزش صفر نشان داده می‌شود). آتوکراسی نهادینه شده نیز نظام رقیب دموکراسی نهادینه شده است که در آن مشارکت سیاسی رقابتی سرکوب شده یا محدود می‌شود، رئیس‌قوه مجریه در قالب فرایند منظم انتصابات برگزیده می‌شود و با حداقل محدودیت نهادی اعمال قدرت می‌شود. شاخص سیاست² از کسر نمره اتوکراسی از دموکراسی منتج می‌شود. (ریگین، 2008: 82).

شرط وابستگی در نظام جهانی نیز به عنوان تابع چندشرطی تلقی می‌شود. در ادبیات نظریه وابستگی ابعاد گوناگونی مانند وابستگی سرمایه‌گذاری و تجاری (برادشاو، 1985؛ لی، 1987؛ برادشاو و هانگ، 1991)، شاخص‌هایی همانند نفوذ واردات (هانگ و اسلامزینسکی، 2003)، تمرکز بر صادرات مواد اولیه (درصد کالاهای اصلی از کل صادرات) و نسبت واردات صنعتی (کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای) به کل واردات عنوان شده است. در این مطالعه با توجه به دسترسی به آستانه‌های مورد لزوم، دو بعد آخر (نسبت صادرات مواد اولیه و نسبت واردات صنعتی) مد نظر قرار داده شد.

شرط قدرت دولت، اشاره به درجه منابع سیاسی و اقتصادی در اختیار دولت دارد. تابع دو بعدی قدرت دولت ترکیبی از اندازه دولت و وابستگی آن به فروش مواد اولیه تعریف شد. اندازه دولت، شاخص نسبت هزینه دولت یا مصرف دولتی از تولید ناخالص داخلی³ (GDP) (ابوطالبی، 2000، شاخص آزادی اقتصادی مؤسسه هریتیج) در نظر گرفته شد. بر این اساس، بزرگی دولت (میزان هزینه دولت از بودجه عمومی) یکی از موانع آزادی اقتصادی تلقی می‌شود. همچنین وابستگی درآمدهای دولت به فروش مواد اولیه نیز یکی از

1. Per Capita Gross Domestic Product (PPP)

2. Polity

3. Gross Domestic Product

نشانه‌های خوداتکایی و استقلال دولت از جامعه می‌باشد که با نسبت فروش محصولات خام (نفت و گاز) از کل درآمدهای دولت لحاظ شد.

شرط قدرت جامعه با اتکاء به محدودیت داده‌های در دسترس تاریخی¹، به عنوان تابع دوبعدی، شامل شاخص ترکیبی توسعه انسانی یا HDI (که خود ترکیبی از امید به زندگی، باسواد بزرگسالان، میانگین سال‌های رفتن به مدرسه و سرانه تولید ناخالص داخلی است) (بوطلابی، 2000) و نسبت مالیات از کل درآمدهای دولت تعریف شد. بر این اساس هرچه نسبت مالیات‌ها از درآمدهای دولت بالاتر باشد قدرت تأثیرگذاری جامعه بر دولت بیشتر بوده، از خوداتکایی و استقلال دولت از جامعه کاسته می‌شود. همچنین شاخص توسعه انسانی نیز نشانگر ارتقاء سطح زندگی مردم و بهبود شرایط زیست در جامعه است.

عضویت در مجموعه نتیجه - نابرابری درآمدی - به عنوان تابع دو بعدی و ترکیبی از ضریب جینی² و نسبت درآمد 4 دهک پایین (40 درصد فقیرتر) تعریف شد.

تعیین عضویت موارد در مجموعه‌ها: چنانچه پیش‌تر ذکر شد موارد مطالعه حاضر، شش دوره تاریخی در ایران هستند. ابتدا شاخص‌های معرفی شده برای دوره شصت و چهارساله (1320-1384) به صورت سری زمانی جمع‌آوری گردید. بر اساس برش دوره مذکور به شش مورد (دوره زمانی) میانگین شاخص‌ها (نتیجه و شرایط علی) در هر دوره محاسبه شد. برای هر یک از مجموعه‌ها نقاط سه گانه عضویت تعیین شد و پس از ایجاد نمرات فازی بر اساس اصل اشتراک (نمرات کوچک‌تر) توابع نهایی تعیین گردید.

منابع داده‌ها

داده‌های مربوط به شرط توسعه اقتصادی از سری زمانی مرکز مقایسه بین‌المللی تولید، درآمد و قیمت دانشگاه پنسلوانیا و داده‌های منتشر شده بررسی آمارهای اقتصادی در سال 2000 (آواکو، 2010)، داده‌های مربوط به دموکراسی، استبداد³ و شاخص سیاست⁴ از نتایج پروژه سیاست IV، دانشگاه ماسون و کلرادو با عنوان مشخصات رژیم سیاسی و تحولات آن 2008-1800، داده‌های مربوط به وابستگی از داده‌های بانک جهانی، شاخص‌های توسعه انسانی از برآوردهای منتشر شده (عبدالله‌زاده، 1385)، شاخص ضریب جینی و

1. قوت جامعه مدنی (احزاب سیاسی و انجمن‌های داوطلبانه) با اینکه نشانه خوبی برای قوت جامعه تلقی می‌شود به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات مربوط در تابع معرفی نشد.

2. GINI Index

3. Autocracy

4. Polity

اختلاف دهک‌ها از گزارش مطالعه مرکز تحقیقات مجمع تشخیص مصلحت نظام (ملک، 1387)، گزارش‌های سری زمانی بانک مرکزی ایران، سالنامه‌های آماری کشور و شاخص قدرت دولت از گزارشات مؤسسه تدبیر اقتصادی در زمینه نحوه شاخص‌سازی مؤسسات بین‌المللی اتخاذ شده است.

نتایج

در جدول 1 آماره‌های توصیفی مربوط به شاخص‌ها و در جدول 2 میزان عضویت فازی موارد (دوره‌های تاریخی مورد بررسی ایران)¹ در مجموعه نتیجه و شرایط علی ملاحظه می‌شود.

جدول 1. آماره‌های توصیفی موارد (نتیجه و شرایط علی) دوره شصت و چهار ساله 1320-1384

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	تعداد موارد معتبر (Missing)	
نابرابری	0,42	0,025	03977	0,4622	(2)4	ضریب جینی
درآمدی	14,48	1,27	12,44	15,8	(1)5	نسبت درآمد چهار دهک پایین
توسعه	6189,16	2865,6	2323	10934	(0)6	تولید ناخالص داخلی سرانه
اقتصادی	36,75	6,07	18,48	36,27	(1)5	نسبت سرمایه گذاری
دموکراسی	-5,1	4,38	-10	1,87	(1)6	دموکراسی (کسر نمره آتوکراسی از دموکراسی)
وابستگی	87,45	5,148	80,4	93,37	(1)5	نسبت صادرات نفت و گاز از کل صادرات
	-	-	80,6	87,1	6	نسبت واردات کالاهای واسطه‌ای سرمایه گذاری
	21,83	5,6	15	32,25	6	مخارج مصرفی دولت از کل GDP
قدرت دولت	46,32	16,19	12	59,53	6	نسبت درآمد نفت از کل بودجه دولت
قدرت	31,93	7,37	26	47,1	6	نسبت درآمد مالیاتی از کل درآمدهای دولت
جامعه	0,55	0,158	0,32	0,726	(1)5	توسعه انسانی

1. چنانچه مشاهده می‌شود به ویژه در دوره اول بررسی به دلیل نبود طرح‌های آمارگیری (1320-1332) در موارد زیادی فقدان داده وجود دارد که در بعضی موارد با استناد به تخمین‌های منابع معتبر، داده مربوط به دست آمده است.

چنانکه در جدول 2 ملاحظه می‌شود در خصوص ضریب نابرابری درآمدی در دو دوره اول اطلاعاتی در دست نیست. اما در طول چهار دوره دیگر بیشترین نابرابری در فاصله سال‌های 1342-1357 و کم‌ترین آن در اولین دوره بعد از انقلاب (از 1357 تا پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق) می‌باشد. همچنین از لحاظ میزان برخورداری چهار دهک پایین از درآمدها، کم‌ترین میزان (بیش‌ترین نابرابری) در دوره سوم و بیش‌ترین برخورداری گروه‌های پایین درآمدی در دوره پنجم (1376-1368) می‌باشد. به عبارتی سهم گروه‌های پایین درآمدی از درآمد ملی در این دوره افزایش یافته است. تولید ناخالص داخلی سرانه از 2323 دلار در دوره 1320 تا 1332، به 10934 در دوره 84-1376 افزایش یافته، به عبارتی این میزان در طی دوره شصت ساله بیش از 4,7 برابر شده است. نسبت سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص، از 18 تا 36 درصد متغیر بوده است. بیشترین نسبت سرمایه‌گذاری در شش دوره مذکور در دوره اول پس از انقلاب بوده است. بررسی امتیازات فازی عضویت شش دوره تاریخی ایران (از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم تا پایان دوره اصلاحات) در مجموعه توسعه یافتگی اقتصادی نشان می‌دهد در چهار دوره (بین 1320 تا 1342 و 1357 تا 1376) عضویت ایران در حد کم‌تر از 0,5 و به عبارتی بیش‌تر غیر عضو مجموعه است. این عضویت تنها در دو دوره 1342 تا 1357 و از 1376 تا 1384 اندکی افزایش می‌یابد و به عبارتی در این دو دوره می‌توان ایران را نه کاملاً عضو و نه کاملاً غیر عضو در مجموعه توسعه یافته اقتصادی دانست.

وضعیت دموکراسی در فاصله دو دوره 1320-1357 حداقل نمره مقیاس و در دوره اصلاحات بیش‌ترین میزان را داشته است. امتیاز عضویت شش دوره مذکور در مجموعه دموکراتیک حاکی از آن است که در همه دوره‌ها عضویت کم‌تر از نیم (بیش‌تر غیر عضو مجموعه) است. بیش‌ترین امتیاز فازی مربوط به دوره اصلاحات (0,48 نمره عضویت فازی) و دوره 1320 تا 1332 است که فضای رقابت حزبی کمی باز شد. در دو دوره 1342-1357 و 1332-1342 میزان عضویت صفر و یا عضویت کامل در مجموعه اتوکراتیک است.

عضویت ایران در مجموعه وابستگی، در پنج دوره‌ای که اطلاعات آن وجود دارد، بین 0,95 تا 0,99 می‌باشد. به عبارتی تعلق ایران به مجموعه وابستگی در این دوران کماکان

ادامه داشته است. از سوی دیگر اتکاء دولت به درآمدهای نفتی نیز از سال 32 به بعد روند رو به افزایشی داشته و به این ترتیب ایران به غیر از دوره 1320-1332 در سایر دوره‌ها تعلق زیادی به مجموعه دولت رانتیر داشته است. بیش‌ترین میزان وابستگی به درآمدهای نفتی در دوره سازندگی (1368-1376) بوده است، به طوری که نزدیک به 60 درصد بودجه دولت از محل درآمدهای نفتی تأمین می‌شده است. بزرگی و قدرت دولت با نسبت مخارج دولت از GDP به دست آمد. دامنه تغییرات آن در شش دوره مذکور بین 15 تا 32 درصد می‌باشد (که کم‌ترین آن در دوره 1320-1332 و بیش‌ترین میزان در دوره 1342-1357 می‌باشد) این شاخص در ارزیابی‌های مؤسسات بین‌المللی به عنوان یکی از مؤلفه‌های دخالت دولت در اقتصاد تلقی می‌شود و به عنوان یک عامل منفی در شاخص توسعه‌یافتگی و آزادی و برابری در درآمد به شمار می‌آید. وابستگی، قدرت دولت و خوداتکایی آن با وجود درآمدهای نفتی، زمینه بی‌توجهی به جامعه و مطالبات آن را می‌توان در نسبت پایین سهم مالیات از درآمدهای دولت نیز مشاهده نمود. این نسبت در طول دوره مورد بررسی بین 26 تا 47 درصد متغیر است و بیش‌ترین میزان اتکا به جامعه در دوره اول پس از انقلاب و جنگ ایران و عراق بوده است که به همراه پایین آمدن سهم نفت از درآمدهای دولت بوده است.

اما از حیث نابرابری‌های درآمدی، ایران در شش دوره مورد بررسی بیش‌تر عضو مجموعه نابرابر درآمدی بوده است. بیش‌ترین عضویت در دوره آخر قبل از انقلاب اسلامی و کم‌ترین آن در دو دوره سازندگی و اصلاحات می‌باشد.

جدول 2- میزان عضویت فازی دوره‌های تاریخی در مجموعه‌های نتیجه و شرایط علی

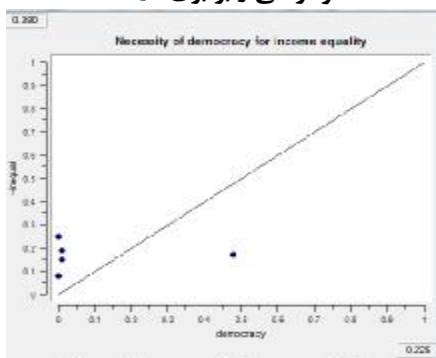
دوره تاریخی	1320-1332	1332-1342	1342-1357	1320-1332	1357-1368	1368-1384	
توسعه اقتصادی	ضریب جینی	-	-	0,466	0,416	0,398	0,404
	نمره فازی	-	-	0,9	0,85	0,81	0,83
	سهام 4 دهک پایین درآمدی	-	13,6	12,44	14,97	15,80	15,59
	نمره فازی		0,88	0,94	0,77	0,67	0,7
توسعه اجتماعی	تولید ناخالص داخلی سرانه	2323	3249	6808	5977	7844	10934
	نمره فازی	0,43	0,31	0,54	0,44	0,48	0,52
	نسبت سرمایه‌گذاری از GDP	-	18,48	27,63	36,27	29,04	22,35
	نمره فازی		0,21	0,58	0,79	0,62	0,37
	توسعه سیاسی	-1	-10	-10	-6	-6	1,87
	نمره فازی	0,14	0	0	0,01	0,01	0,48
	نسبت مخارج دولت از GDP	15	16,9	32,25	24,62	20,84	21,4
	نمره فازی	0,1	0,12	0,61	0,31	0,2	0,22
	نسبت درآمد نفت از کل بودجه دولت	12	53,8	58,5	44,4	59,5	49,6
	نمره فازی	0,07	0,99	1	0,97	1	0,99
	شاخص توسعه انسانی	-	0,32	0,42	0,61	0,69	0,73
	نمره فازی	-	0,03	0,18	0,69	0,81	0,85
	نسبت مالیات از درآمدهای دولت	26	33,7	26,4	47,1	26,7	31,7
	نمره فازی	0,11	0,28	0,12	0,6	0,12	0,22
	نسبت صادرات نفت از کل صادرات	-	91,8	93,4	89,3	82,4	80,4
	نمره فازی		0,98	0,99	0,98	0,96	0,95
	نسبت واردات صنعتی از کل واردات	-	-	-	80,6	87,1	86,04
	نمره فازی	-	-	-	0,95	0,97	0,96

تطبیق یافته‌ها با مدل نظری و واریسی شرایط لازم و کافی علی

یکی از امتیازات تحلیل تطبیقی و کاربرد مجموعه‌های فازی، امکان بررسی ضرورت و کفایت شرایط علی منفرد و ترکیبات علی است. شرط لازم نشان می‌دهد که حضور شرط برای رخداد نتیجه ضروری است. در حالی که شرط کافی می‌تواند نتیجه مورد نظر را خود ایجاد نماید. یک راه بررسی کفایت یا ضرورت شرایط علی منفرد، بررسی روابط زیر مجموعه‌ای بین شروط مستقل و نتیجه است. چنانکه قبلاً ذکر شد، شرط، لازم است؛ اگر نتیجه زیرمجموعه شرط باشد و کافی است؛ اگر شرط، زیرمجموعه نتیجه باشد. این امر با بررسی نمودار XY نمرات فازی قابل بررسی است. شاخص ضرورت¹ و کفایت²، نسبت نمرات فازی در ارتباط با رابطه نظری (نتیجه زیر مجموعه شرط، یا شرط زیر مجموعه نتیجه) را بررسی می‌کند.

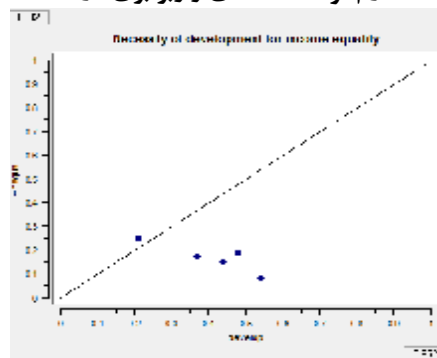
در این بخش رابطه شروط با نتیجه به صورت منفرد واریسی می‌گردد. شاخص سازگاری شرط لازم، فرض نظری زیرمجموعه بودن نتیجه از شرط (شرط لازم بودن) و شاخص سازگاری شرط کافی نیز، زیرمجموعه بودن شرط از نتیجه (شرط کافی) را نشان می‌دهد. اگر نتیجه بزرگ‌تر از 0,75 باشد، در حد قابل قبول قرار دارد (ریگین، 2008: 53). چنانکه در نمودارهای 1 و 2 ملاحظه می‌شود، توسعه اقتصادی، شرط لازم برابری درآمد محسوب می‌شود. اما دموکراسی نه شرط لازم و نه کافی برابری درآمدی است. به عبارتی دموکراسی برای برابری درآمدی به تنهایی نه لازم و نه کافی است.

نمودار 2. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم دموکراسی و برابری درآمد



1.Necessity

نمودار 1. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم توسعه اقتصادی و برابری درآمد

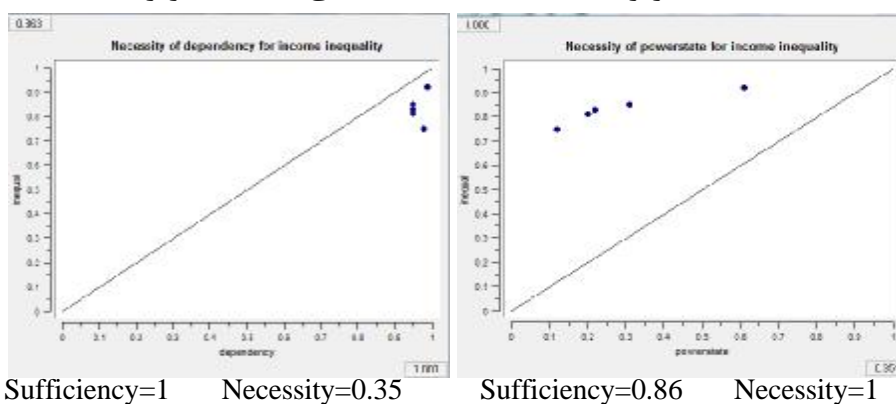


2.Sufficiency

نمودارهای 3 و 4 شروط علی قدرت دولت (دولت بزرگ و رانتیر) و وابستگی را واری می نماید. بر اساس شاخص سازگاری، قدرت دولت شرط کافی و وابستگی اقتصادی شرط لازم نابرابری درآمدی می باشد.

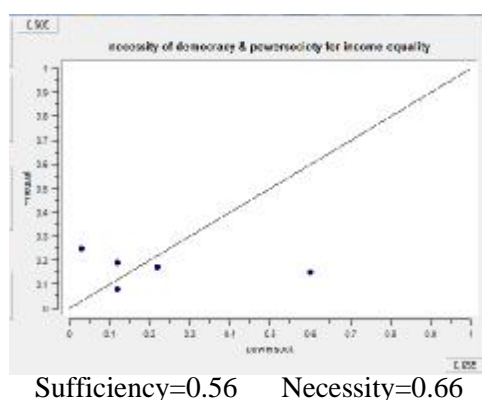
نمودار 3. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم
 قدرت دولت و نابرابری درآمد

نمودار 4. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم
 وابستگی اقتصادی و نابرابری درآمد



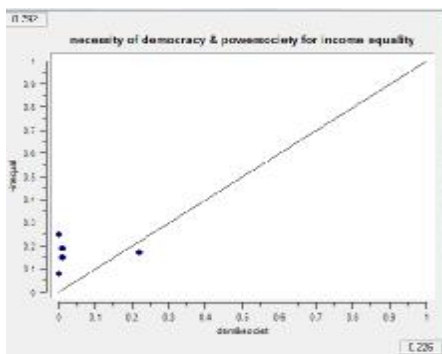
نمودار 5، اختصاص به واری شرط علی قدرت جامعه و برابری درآمدی دارد. بر اساس شاخص سازگاری، قدرت جامعه نه شرط لازم و نه کافی برابری درآمدی است.

نمودار 5. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم قدرت جامعه و برابری



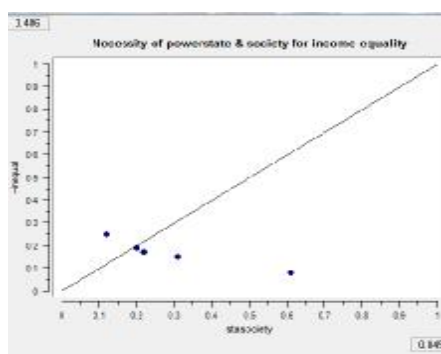
در نمودارهای 6 و 7 اجتماع دو شرط قدرت جامعه و دولت و دموکراسی و قدرت جامعه با برابری درآمدی نیز مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس شاخص سازگاری نمودار شش، قدرت دولت و جامعه (اجتماع دو شرط علی) شرط کافی برابری درآمدی و قدرت جامعه و دموکراسی نیز شرط لازم آن محسوب می‌شود. به عبارتی جامعه قوی به همراه دولت قوی شرط کافی برابری درآمدی و جامعه قوی و دموکراسی شرط لازم ایجاد برابری درآمدی است.

نمودار 7. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم دموکراسی و قدرت جامعه و برابری درآمد



Sufficiency=0.79 Necessity=0.22

نمودار 6. پراکندگی امتیازات فازی شرط لازم قدرت دولت و جامعه و برابری درآمد



Sufficiency=0.49 Necessity=0.85

بررسی علیت‌های عطفی (توکیبی)¹: بر اساس مدل نظری، پنج شرط در این بررسی مد نظر قرار گرفت. برای این پنج شرط، سی و دو ترکیب علی متصور است (2^k)، که در این جا تعداد شرایط می‌باشد). نرم افزار FS/QCA با ایجاد الگوریتم صدق و کذب فازی ترکیب‌های ممکن شرایط علی در بین موارد را در ردیف‌های جداگانه محاسبه نموده و فراوانی موارد در هر ترکیب را نشان می‌دهد. در جدول صدق و کذب فازی، به مواردی که نمره فازی بالاتر از 0,5 باشد نمره 1 و کمتر از 0,5، نمره صفر تعلق می‌گیرد. در این جدول شاخص سازگاری هر ردیف، نشان‌دهنده زیرمجموعه بودن ترکیب علی شرایط مذکور از نتیجه (شرط کفایت) است. بر اساس جدول صدق و کذب فازی، تنوعات موارد قابل بررسی است و از این طریق ترکیب‌های علی مشابه، ترکیب‌هایی که اتفاق نیفتاده یا

1. Configurational

خیلی به ندرت اتفاق افتاده‌اند نیز مشخص می‌شوند. نتیجه جدول صدق و کذب فازی در بررسی حاضر نشان می‌دهد، سه مسیر علی از نظر شاخص سازگاری شرط کفایت ترکیبی را داشته‌اند و بقیه ترکیب‌ها در فرایند به حداقل رساندن¹ شرایط حذف شده‌اند. پس از تحلیل نهایی بر روی سه مسیر موجود در نهایت دو مسیر جداگانه برای رخداد نابرابری درآمدی در ایران وجود دارد که هر کدام از آن‌ها شرط عطفی کافی تلقی می‌شوند.

جدول 3. نتیجه بررسی مسیرهای علی کافی نابرابری درآمدی

تحلیل مسیرهای علی براساس الگوریتم صدق و کذب فازی			
ترکیب شرایط علی نابرابری درآمد: توسعه، قدرت دولت، دموکراسی، وابستگی و قدرت جامعه			
شاخص سازگاری consistency	شاخص پوشش منحصر به فرد Unique coverage	شاخص پوشش خام یا مرکب Raw coverage	مسیرهای علی
1	0,39	0,71	~ توسعه اقتصادی* ~ قدرت دولت* ~ دموکراسی* ~ وابستگی
1	0,03	0,35	توسعه اقتصادی* قدرت دولت* ~ دموکراسی* ~ وابستگی* ~ قدرت جامعه
شاخص سازگاری کلی: 1			شاخص پوشش کلی: 0,75

مسیر اول: ~ توسعه اقتصادی* ~ قدرت دولت* ~ دموکراسی* ~ وابستگی
 مسیر دوم: توسعه اقتصادی* قدرت دولت* ~ دموکراسی* ~ وابستگی* ~ قدرت جامعه

در نهایت دو مسیر علی ترکیبی کافی تشخیص داده شده نابرابری‌های درآمدی در ایران، شامل نبود توسعه، قدرت دولت و دموکراسی در کنار حضور وابستگی و مسیر دوم توسعه اقتصادی، قدرت دولت و وابستگی آن، به همراه نبود دموکراسی و قدرت جامعه می‌باشد.

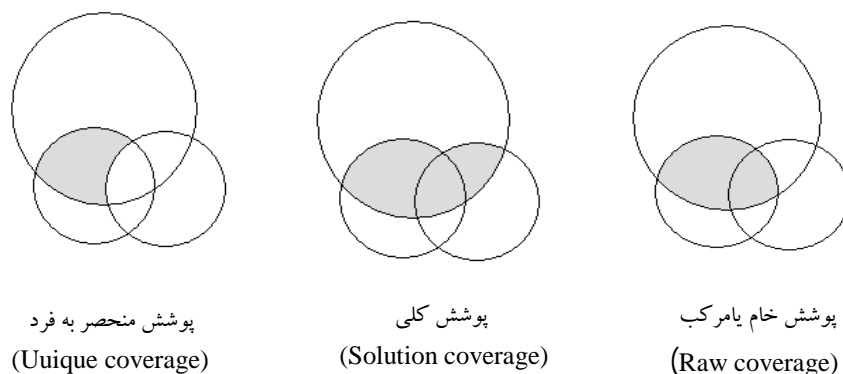
مسیر اول بیش تر با شرایط دو دوره 32-1320 و 42-1332 (فراوانی، 2) و مسیر دوم بیش تر با سال‌های 1342-1357 (فراوانی، 1) منطبق است. هر چند که الگوی دوم در سه دوره بعد از انقلاب نیز با کمی تفاوت مشاهده می‌شود (مقایسه شود با نمرات عضویت

1. Minimization

2. علامت ضرب در تحلیل فازی به معنای "و" and

دوره‌های تاریخی در مجموعه‌ها، جدول 2). ویژگی مشترک دو دوره، وابستگی دولت‌ها و نبود دموکراسی است. اما ویژگی متمایز کننده مسیر اول، نبود توسعه اقتصادی و نبود قدرت دولت و عکس آن در دوره بعدی است. به عبارتی توسعه اقتصادی و قدرت دولت در کنار نبود دموکراسی و وابستگی دولت‌ها، علیت ترکیبی کافی در رخداد نابرابری درآمدی است و توسعه نیافتگی اقتصادی و عدم قدرت دولت در کنار نبود دموکراسی، وابستگی دولت‌ها و عدم قدرت جامعه نیز همان نتیجه را در پی داشته است. هر چند که مسیر اول، شاخص پوشش منحصر به فرد بالاتری دارد. شاخص پوشش¹، اهمیت تجربی علل تحت مطالعه را نشان می‌دهد² و قابل قیاس با واریانس تبیین شده در رگرسیون می‌باشد (کنت، 2008). تجزیه این شاخص به دو شاخص پوشش منحصر به فرد³ و پوشش خام (مرکب)⁴ نیز در مسیرهای علی کافی قابل محاسبه است. پوشش منحصر به فرد، پوشش مختص هر مسیر علی و پوشش خام یا مرکب، اجتماع مسیرهای علی کافی است. این دو الزاماً برابر نیستند چرا که ممکن است مسیرهای علی همپوشی داشته باشند. نمایش تصویری سه شاخص پوشش در نمودار زیر قابل ارائه می‌باشند.

نمودار 8. شاخص‌های پوشش مسیرهای علی



1. coverage
2. الزاماً بین شاخص سازگاری و پوشش ارتباط همبستگی وجود ندارد و شاخصی می‌تواند دارای سازگاری بالا اما پوشش پایین باشد؛ اما اگر فاقد سازگاری باشد پوشش نیز معنایی نخواهد داشت.
3. Unique coverage
4. Raw coverage

شاخص سازگاری هر دو مسیر 1 می‌باشد. اما پوشش مرکب مسیر اول 0,71 و مسیر دوم 0,35 می‌باشد. همچنین پوشش منحصر به فرد مسیر اول 0,39 و مسیر دوم 0,04 است. ضریب کلی سازگاری و پوشش مسیرهای ارائه شده به ترتیب 1 و 0,75 می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

این نوشتار، واکاوی شرایط علی نابرابری‌های درآمدی - با تأکید بر توسعه اقتصادی و سیاسی - در طی دوره تاریخی شصت و چهارساله در ایران را مدنظر داشت. در خصوص رابطه توسعه اقتصادی و دموکراسی با برابری و رفع تبعیض‌های اجتماعی، استدلال‌های نظری چندگانه‌ای اقامه شده است. مدل نظری راهنمای این مطالعه، ترکیبی از رویکردهای نظری نوسازی، وابستگی (موقعیت در نظام جهانی) و نظریه دولت توسعه‌گرا (خودگردانی دولت، ساختار رانتیر و روابط دولت - جامعه) بود. از آنجا که بر این اساس، توسعه ظرفیت نظام اقتصادی و سیاسی به کاهش تبعیض و نابرابری می‌انجامد، سوئه مقابل نابرابری (نبود نابرابری) لحاظ شد.

بررسی نقش منفرد توسعه اقتصادی در برابری درآمدی (نبود نابرابری) فرض لازم بودن توسعه اقتصادی برای برابری درآمدی در شش دوره تاریخی ایران را تأیید نمود. بررسی شرط لزوم و کفایت دموکراسی مؤید نه لازم و نه کافی بودن دموکراسی برای برابری درآمدی بوده و حاکی از نقش آن به صورت ترکیبی و با حضور متغیرهای دیگر است. با توجه به شروط مورد بررسی در این مطالعه، قدرت جامعه یکی از شروطی است که به همراه دموکراسی شرط کافی برابری درآمدی است. به عبارتی نه قدرت جامعه و نه دموکراسی به تنهایی شرط لازم یا کافی برای برابری درآمدی نیست، اما اجتماع این دو شرط به عنوان شرط کافی عمل می‌نماید. وابستگی دولت که با نسبت بالای صادرات مواد اولیه و واردات صنعتی مشخص می‌شود، شرط لازم نابرابری درآمدی و قدرت و خود اتکایی دولت که با بحث اندازه دولت و وابستگی بودجه دولتی به درآمدهای نفتی مشخص می‌گردد، شرط کافی نابرابری درآمدی در شش دوره تاریخی مورد بررسی است. معمولاً در پدیده‌های اجتماعی ترکیب شرایط علی اثرات متفاوتی از علت‌های منفرد ایفا می‌نمایند. مسیر اول ترکیب علیت کافی حاکی از آن است که وابستگی در کنار نبود توسعه اقتصادی و نبود دموکراسی در دو دوره تاریخی در مقایسه با مسیر توسعه اقتصادی، دولت وابسته و خود اتکا و بی‌نیاز از جامعه مدنی، و نبود دموکراسی و جامعه مدنی در یک دوره دیگر، در توضیح شرایط علی کافی نابرابری‌های درآمدی در شش دوره تاریخی در

ایران اهمیت بیش‌تری (شرط سازگاری، یک) داشته‌اند.

نتایج به‌دست آمده مؤید نقش دولت به عنوان کارگزار اصلی توسعه در ایران معاصر می‌باشد. وابستگی و خوداتکایی دولت‌ها که با اتکا به درآمدهای نفتی و احساس بی‌نیازی از جامعه (درآمدهای مالیاتی) و درخواست‌های آن همراه بوده، حاکی از آن است که توسعه ظرفیت‌های اقتصادی و درآمدهای کشور مادامی که سازوکارهای ارتباط جامعه با دولت فراهم نباشد و به ویژه در شرایطی که بخش عمده درآمدها با اتکا به فروش مواد اولیه تامین شود و ساختار سیاسی موجود نیز شرایط دسترسی برابر به قدرت و فرصت‌های تصمیم‌گیری را ایجاد ننماید، می‌تواند بالقوه زمینه سواستفاده از قدرت، رانت‌جویی و افزایش مفاسد مالی و اقتصادی را فراهم نماید و در نتیجه در فرصت‌های توزیعی و تخصیص بهینه منابع محدودیت ایجاد نماید. لذا آثار رشد اقتصادی در صورتی به توسعه و بهزیستی شرایط زندگی و کاهش تبعیض در دسترسی به منابع ارزشمند اجتماعی و از جمله درآمد، می‌انجامد که با توزیع عادلانه منابع قدرت و سهم شدن جامعه مدنی، سازوکار سهم شدن آحاد جامعه در منافع رشد و برابری در ورود به فضای رقابتی فراهم شود. این امر دال بر تأیید مدل ترکیبی و اثرگذاری عطفی متغیرهای توسعه اقتصادی، سیاسی، جامعه مدنی، وابستگی دولت‌ها به منابع اولیه (ساختار رانتیر دولت) در نابرابری‌های درآمدی در ایران است.

پی‌نوشت

سه شرط ضروری برای کالیبره کردن یا واسنجی درجه عضویت در مجموعه‌ها، تعیین شرایط عضویت کامل، عدم عضویت کامل و نقطه تقاطع عضویت در هر مجموعه است. برای انجام این مهم مراحل زیر طی شد. ابتدا از سری زمانی شاخص‌های مربوط به هر دوره میانگین گرفته شد و به این ترتیب برای شش مورد (شش دوره تاریخی) اعدادی که نشانگر میزان حضور آن متغیر در مورد مربوطه می‌باشند، شناسایی و به فایل داده نرم‌افزار FS/QCA منتقل گردید. تعیین درجه عضویت توابع فازی برخلاف تحلیل‌های کمی که بر اساس میانگین توزیع متغیر تعیین می‌گردد، کاملاً تابع دانش نظری در خصوص موضوع مربوط می‌باشد، لذا ضروری است که آستانه‌ها و تفسیر درجات داده‌ها با عنایت به ذخیره دانش موجود انجام شود. در این مطالعه تعیین سه ارزش مهم در تعیین میزان عضویت با رجوع به اشارات در منابع موجود تخصصی، شاخص‌سازی‌های بین‌المللی، بررسی Ranking‌های جهانی و مشورت با متخصصان انجام شد. نکته حائز اهمیت دیگر، وجه تاریخی بودن این مطالعه و ضرورت توجه به تغییرات تاریخی برخی شاخص‌ها و واسنجی

متفاوت در هر دوره تاریخی است. (توسعه اقتصادی و توسعه انسانی از جمله شروطی بودند که در شش دوره با ملاک‌های متمایز کالیبره شدند). در جدول پیوست 2 درجات سه گانه عضویت در مجموعه‌ها ملاحظه می‌شود.

جدول 2- پیوست درجات سه گانه عضویت در مجموعه‌ها

ردیف	شرط / نتیجه	عضویت کامل در مجموعه membership Full	نقطه تقاطع cut-point	عدم عضویت کامل در مجموعه Non-fullmembership
1	نابرابری در درآمدی	0,5	0,3	0,1 (بر اساس دامنه صفر برابری کامل تا 1 نابرابری کامل)
	ضریب جینی	12	17	40 (برداشت ملوین تامین در کتاب نابرابری اجتماعی از کشورهای بسیار نابرابر و تقریباً برابر)
2	توسعه اقتصادی	30000	8000	2400 (در دوره ششم 1384-1376) در سایر دوره‌ها به نسبت جهانی، آستانه‌ها تغییر یافت
	نسبت سرمایه‌گذاری از GDP	50	25	10 (بر اساس نظرات کارشناسی مندرج در منابع مربوطه)
3	توسعه سیاسی (دموکراسی) دامنه شاخص 10- تا 10	9	2	3- (امتیاز بندی موسسه polity/ فازی سازی ساعی،.....)
4	قدرت دولت	45	30	10 (بر اساس امتیاز بندی موسسه هریتیج)
	نسبت مخارج دولت از GDP	42	20	10 (اشاره به نسبت 42 درصد به عنوان شاخص دولت رانتر در منابع مرتبط)
5	قدرت جامعه	90	40	20 (اشارات منابع مرتبط به وابستگی به مالیات در کشورهای پیشرفته)
	نسبت مالیات از درآمدهای دولت	0,91	0,56	0,33 (در دوره آخر/ سایر دوره‌ها بر اساس رتبه بندی کشورهای توسعه یافته و کم توسعه)
6	وابستگی	80	50	20
	وابستگی تجاری نسبت صادرات نفت به کل صادرات	80	50	20
	نسبت واردات سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کل واردات			

منابع

- آبراهامیان، یرواند. 1376. مقالاتی در جامعه شناسی سیاسی ایران. ترجمه سهیلا فارسانی. چاپ اول. تهران: نشر شیرازه.
- آرسن و همکاران (چاپ دوم 1382). دموکراسی و توسعه: پژوهشی آماری. لفت ویچ (احمد علیقلیان و افشین خاکباز، مترجم) در دموکراسی و توسعه (ص. 102-62). تهران: طرح نو.
- اسکلار، ریچارد. 1382. «به سوی نظریه دموکراسی توسعه گرا». لفت ویچ (افشین خاکباز، مترجم) در دموکراسی و توسعه (ص. 61-33). تهران: انتشارات طرح نو.
- اشرف، احمد. 1359. موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران دوره قاجاریه. تهران: پیام.
- اوانز، پیترو. 1382. چاپ دوم. توسعه یا چپاول: نقش دولت در تحول صنعتی. ترجمه عباس مخبر و عباس زند. تهران: طرح نو.
- بحرانی، محمد حسین. 1388. طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (1320-1380) پژوهشی در گفتمان های سیاسی قشرهای میانی در ایران. تهران: آگاه.
- پیمان، حبیب الله. 1374. درباره استبداد ایرانی در کتاب توسعه به کوشش جواد موسوی خوزستانی، شماره 10.
- ثاقب، حسین، و نادری، ا. 1386. تجزیه و تحلیل شاخص آزادی اقتصادی ایران از دیدگاه بنیاد هریتیج. بررسی های بازرگانی، شماره 25.
- چلبی، مسعود. 1375. نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- چلبی، مسعود و حسین اکبری. پاییز 1384. توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و نابرابری اجتماعی مطالعه تطبیقی - طولی (1970-2000). مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم (شماره 3)، صص 28-46.
- چلبی، مسعود و غلامرضا عظیمی. بهار 1386. مطالعه تطبیقی - تاریخی رابطه ساختار سیاسی با توسعه اقتصادی. مجله جامعه شناسی ایران، دوره هشتم (شماره 1)، صص 3-51.
- چلبی، مسعود. 1386-1387. روش تطبیقی کیفی. جزوه درسی دوره دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حاجی یوسفی، امیر محمد. 1378. دولت، نفت و توسعه اقتصادی در ایران. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- رزاقی، ابراهیم. 1376. آشنایی با اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- رضا قلی، علی. 1377. جامعه شناسی نخبه کشی در ایران. چاپ هشتم. تهران: نشر نی.
- ریگین، چارلز. 1388. روش تطبیقی فراسوی روش های کمی و کیفی. ترجمه محمد فاضلی. تهران: آگه.
- رواسانی، شاپور. 1386. مفاهیم اجتماعی در جوامع مستعمراتی (مجموعه مقالات سیاسی، اقتصادی). تهران: انتشارات امیر کبیر.
- زیبا کلام، صادق. 1377. ما چگونه ما شدیم: ریشه یابی علل عقب ماندگی در ایران. چاپ چهارم. تهران: روزنه.
- ساعی، علی. 1388. فازی سازی دموکراسی. دانشنامه علوم اجتماعی دوره 1، شماره 1، صص 167-191.

- ساعی، علی. 1386. دموکراتیزاسیون در ایران. تهران: آگاه.
- شهرام‌نیا، سیدامیر مسعود. 1385. جهانی شدن و دموکراسی در ایران. تهران: نگاه معاصر.
- طالبان، محمدرضا. 1388. روش‌شناسی مطالعات انقلاب با تأکید بر انقلاب اسلامی ایران. تهران: پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی.
- عباسی، ابراهیم. 1383. دولت پهلوی و توسعه اقتصادی. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عبدالله زاده. 1385. توسعه انسانی در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، 24.
- عبداللهی، محمد و علی ساعی. پاییز 1384. تبیین جامعه‌شناختی دموکراتیزاسیون در ایران. مجله جامعه‌شناسی ایران دوره ششم (شماره 3)، صص 27-3.
- عظیمی (آرانی)، حسین. 1371. مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. تهران: نشر نی.
- علمداری، کاظم. 1388. چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟. چاپ شانزدهم. تهران: نشر توسعه.
- فوران، جان. 1378. مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی ایران. ترجمه 1. تدین. چاپ دوم. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاظمی نژاد، م. س، م، عباسی، و ع. شجری‌زاده. 1382. شاخص آزادی اقتصادی ارزیابی اقتصاد ایران با رویکرد شاخص آزادی اقتصادی هریتیج. تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- لفت و بیچ، آدریان. 1385. دولت‌های توسعه‌گرا پیرامون اهمیت سیاست در توسعه. ترجمه جواد افشار کهن. مشهد: مرندیز، نی نگار.
- ملک، فردریک. بهمن ماه 1387. شاخص‌های نابرابری توزیع درآمد در مناطق شهری و روستایی کشور 1387-1348. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه پژوهشی شاخص‌سازی و آینده پژوهی معاونت پژوهش‌های اقتصادی.
- موتقی، احمد. 1385. نوسازی و اصلاحات در ایران (از اندیشه تا عمل). چاپ اول. تهران: نشر قومس.
- نعمانی، فرهاد. 1358. تکامل فتودالیسم در ایران. چاپ اول. تهران: خوارزمی.
- هانتینگتون، ساموئل و مایرون، واینر. 1379. درک توسعه سیاسی. ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- همایون کاتوزیان، محمد علی. 1386. چاپ سیزدهم. اقتصاد سیاسی ایران ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- Abotalebi, A. r. (2000). *Islam and Democracy State-Society Relations in Developing Countries, 1994-1980*. New York and London: Garland Publishing, inc.
- Adelman, I. a. (1967). *Society, Politics and Economic Development*. Baltimore: John Hopkins University Press.
- Amsden, A. (1989). *Asia's New Giant: South Korea and Late Industrialization*. New York: Oxford University Press.
- Avakov, A. V. (2010). *Two Thousand Years of Economic Statistics: World Population, GDP and PPP*. New York: Algora, www.algora.com.
- Barro, R. J. (1989). *A Cross-Country study of growth saving and government*. NBER.
- Beblawi, H. (1987). *The Rentier State in The Arab World*. B. a. Luciani, in *The Rentier State*. London: Croom Helm.

- Bollen, K. a. (1985). Political democracy and the size distribution of income. *American Sociological Review*, 50, PP: 438-57.
- Bradshaw, Y. W and Huang, J. (1991). Intensifying Global Dependency: Foreign Debt, Structural Adjustment, and Third World Underdevelopment. *Sociological Quarterly* , 32, PP:321-342.
- Bradshaw, Y. W. & Huang, J. (1991). Intensifying Global Dependency: Foreign Debt, Structural Adjustment ,and Third World Underdevelopment. *Sociological Quarterly*, 32, PP: 321-342.
- Center for international comparison of production income and prices university of pennsylvania.
- Cutright, P (1966). *Class, Status, and Power: Social Stratification in Comparative Perspective* .New York: The Free Press, PP: 574-81.
- Cutright, P. and Wiley, J.A. (1969). "Modernization and Political Representation: 1927-1966," Studies in *Comparative International Development* 5, PP: 23-44.
- Diamond, L. (1992). Economic Development and Democracy Reconsidered. *American Behavioural Science* , pp: 450-499.
- Dick, W.(1974). Authoritarian versus Nonauthoritarian Approaches to Economic Development. *Journal of Political Economy*.) July/Agust:817-27.
- Gerschenkron, A. (1962). *Economic Backwardness in Historical Perspective*. Cambridge, Mass : Belknap.
- Hannan, M. A. (February 1981). Dynamics of Formal Political Structure: An Event-History Analysis. *American Sociological Review*, PP:19-35.
- Huang, J. (2003-4). The Dimensionality and Measurement of Economic Dependency A Research Note. *International Journal of Sociology* , 33 (4), PP: 82-98.
- Hirschman, A. (1958). *The Strategy of Economic Development*. New Haven: Yale University Press.
- Huber, E. , Rueschemeyer, D. & Stephens J. D. (1993). The Impact of Economic Development on Democracy. *The Journal of Economic Perspectives* , Vol. 7 (3) , pp: 71- 86.
- Huntington, S. P. (1975). Political Development. F. a. Greenstein , in *Hand book of political science* .reading:Addition-Wesley.
- Jakman, R.W(1973). Political democracy and social equality:A Comparative analysis. *American Sociological Review*, 39, PP: 29-45.
- (2003). *index of economic freedom*. The heritage foundation and Dow jones & company Inc wall street journal.
- Jacobs, Norman (1966). *The Sociology of Development :Iran as Asian Case Study*, praeger Special Studies in *International Economics and Development*, New York:fredrick A.Praeger, Publisher.
- Kent, R ,(2008). Using fs-QCA, A Brief Guide and Workshop for Fuzzy-Set Qualitative Comparative Analysis. <http://www.ccsr.ac.uk/publications/teaching/2008-10.pdf>.
- Kerbo, h. R. (2003). *Social Stratification and inequality, Class Conflict in Historical, Comparative and Global Perspective*. MCGRAWHILL, fifth edition.
- Klir, G. , & Clair, U. (1997). *Fuzzy sets theory. Foundation and applications*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall PTR.
- Kohli, A. (1986). Democracy and Development. L. J. Valeriana , in *Development Strategies Reconsidered*. PP:82-153. New Brunwick: Transaction books .
- landau, D. October.(1968). Government and Economic Growth in the less Developed countries :an empirical study for 1960-1980 *Economic Development and Cultrual Change*.PP:35-75.

- Leftwich, A. (1993). Governance, Democracy and Development in the Third World. *Third World Quarterly*, 14, pp:605-24.
- Leftwich, A. (1994). Governance, the state and the politics of development. development and change, 25, PP:363-86.
- Levine, R. A. (1992). A Sensitivity Analysis of Cross-Country Growth Regressions. *American Economic Review*, 63, pp: 942-82.
- Marsh, R. (1979). Does Democracy Hinder Economic Development in the latecomer Developing Nations? *Comparative Social Research* .215-48.
- Myrdal, G. (1957). *Economic Theory and Underdeveloped Regions*. London: Duckworth.
- Myrdal, G. (1968). *Asian Drama*, 3 vol. New York: Pantheon.
- Olsen, M. (1982). *The Rise and Decline of Nations: Economic Growth, Stagflation and social Rigidities*. New Haven: Yale University Press.
- Olson, M. (1993). Dictatorship, Democracy, and Development. *The American Political Science Review*, Vol. 87 (3), pp: 567-576.
- Olson, M. (1990). *How Bright are the Northern Lights? Lund: School of Management*.
- Olson, M. j. (1963). Rapid Growth as a Destabilizing force. *Journal of Economic History*, Vol. 23 (4), pp: 529-552.
- Pourgerami, A (1988): The Political Economy of Development: A Cross –National Causality Test of the Development –Democracy –Growth Hypothesis. *Public Choice*, 58, pp: 123-41.
- Przeworski, A. & Limongi, F. (1993). Political Regimes and Economic Growth. *The Journal of Economic Perspectives*, Vol. 7 (3), pp: 51- 69.
- Ragin, C. (1983). Theory and Method in Comparative Research Two Strategies. *Social Forces*
- Ragin, C. (2000). *Fuzzy-Set Social Science*. Chicago: The University Chicago Press.
- Ragin, C. (2008). *Redesigning Social Inquiry Fuzzy Sets and Beyond*. The University of Chicago Press.
- Ragin, C. (2008). USER'S GUIDE TO Fuzzy-Set / Qualitative Comparative Analysis, Department of Sociology University of Arizona.
- Rihoux, B. and Ragin, C. (2009). *Configurational Comparative Methods, Qualitative Comparative Analysis and Related Techniques*. London: Sage Publication, Inc.
- Scully, G.A. (1991). Ranking Economic Liberty Across Countries. *Public choice*. 52, PP:121-69.
- Spindler, Z. (1991). Liberty and Development: A Further Empirical Perspective. *Public Choice*, 69, PP:197-210.
- Ted Robert Gurr, M. G. (بدون تاريخ). *Polity IV Project: Political Regime Characteristics and Transitions 1800-2008, Principal Investigators George Mason University and Colorado State University, Founder University Maryland*. March, 2010.
- vorhies, F. A. (1988). Political Liberty and Social Development: An Empirical Investigation. *Public Choice*, 58, PP:45-71.
- Wade, R (1990). *Governing the market: Economic Theory and the Role of Government in East Asian Industrialization*. Princeton: Princeton University Press.
- Weede, E. (1983). The Impact of Democracy on Economic Growth: Some Evidence from Cross-national Analysis. *Kyklos*, 39, 21-36.
- Wittman, D. (1989). Why Democracies Produce Efficient Results. *Journal of Political Economy*, PP: 1395-424.
- Zadeh, L (1965). Fuzzy Sets. *Information and Control*. PP: 338-353.